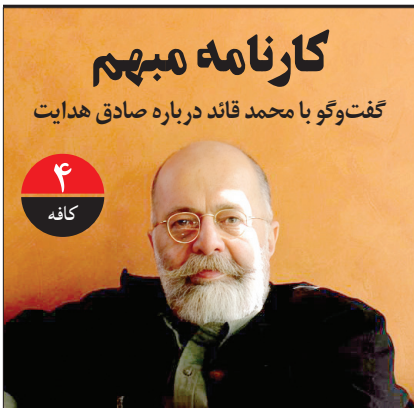




سرمقاله

دیپلماتی ناقص در نیویورک

ایران می‌توانست نقش پررنگ‌تری در سازمان ملل ایفا کند، اما تمهیدات لازم در سیاست خارجی کشور، پیش‌بینی نشده بود

سیدحسین مرعشی



دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

مجمع عمومی سازمان ملل متحد که هر سال برگزار می‌شود، فرصتی مغتنم برای کشورهای عضو است تا در عرصه‌ای بین‌المللی دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، مواضع‌شان را به نمایش بگذارند و همزمان فعالیت‌های دیپلماتیک‌شان را پیش ببرند. در شرایط فعلی، تنها معدود کشورهایی هستند که مواضع و کنش‌های دیپلماتیک‌شان در سازمان ملل مستقیماً با مسائل روز جهان گره خورده است که اگر بخواهیم بر اساس اهمیت دسته‌بندی کنیم، سه محور برجسته‌تر هستند:

۱ پرونده هسته‌ای ایران، موضوع اسنپ‌ک و آغاز یا توقف مذاکرات ایران و آمریکا

۲ جنگ اوکراین و مواضع روسیه، آمریکا و اروپا نسبت به آن

۳ مساله فلسطین با دو کانون؛ پایان جنگ غزه و توقف کشتار اسرائیل و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی.

این سه موضوع بیشترین ظرفیت را برای تأثیرگذاری بر فضای سازمان ملل داشتند؛ حتی مسائلی مانند سوریه و حضور احمد شرع در سازمان ملل نیز در مقایسه با آنها در حاشیه قرار گرفت.

در این میان، نکته مهم آن بود که آمریکا آشکارا با تشکیل دولت فلسطینی مخالفت کرد و از توقف جنگ در غزه نیز حمایت نکرد. در مقابل، اروپا با آمریکا دچار شکاف جدی شد؛ برخی کشورهای اروپایی رسماً دولت فلسطین را به رسمیت شناختند و همگی بر ضرورت پایان جنگ تأکید کردند. ترکیه، ایران و کشورهای عربی نیز در این جبهه قرار گرفتند و به همین دلیل، فضای بین‌المللی به شدت علیه اسرائیل است. واقعیت آن است که اسرائیل از زمان تأسیس تاکنون هیچ‌گاه مانند دو سال اخیر- که اکنون به اوج خود رسیده- زیر چنین فشار افکار عمومی جهانی نبوده است. با این حال به پشتوانه حمایت کامل آمریکا، خود را ملزم به پاسخگویی نمی‌داند و مسیر دلخواهش را ادامه می‌دهد.

در موضوع اوکراین نیز تحولی مهم رخ داد؛ تغییر غیرمنتظره موضع ترامپ. رئیس‌جمهور آمریکا در ابتدای کار نه با دیپلماتی آشنایی داشت و نه شناختی از تاریخ جنگ‌های جهانی. او جنگ اوکراین را سطحی و شبیه یک معامله تجاری می‌دید و تصور می‌کرد، ظرف یک هفته می‌تواند آن را خاتمه دهد. حتی در شرایطی که هیچ کشور غربی حاضر به گفت‌وگوی مستقیم با پوتین نبود، او تلاش کرد با دعوت پوتین به آلاسکا، مساله را حل کند اما ناکام ماند. ترامپ ابتدا زلنسکی را تحقیر کرد و حتی پیشنهادهایی نظیر واگذاری برخی معادن اوکراین برای تأمین هزینه‌های آمریکا در جنگ مطرح شد که با وجود پذیرش اوکراینی‌ها هم به صلحی منجر نشد.

ادامه در صفحه ۲

محمدجواد ظریف در نشست انجمن کنترل تسلیحات در واشنگتن مطرح کرد:

از گذشته عبور کنیم

با تحریم‌ها، تعداد سانتریفیوژها بیشتر شد • اگر ایران می‌خواست بمب بسازد، تاکنون ساخته بود • برای نساختن بمب اتم، هزینه‌ای بالاتر از کسانی که واقعاً آن را ساخته‌اند، پرداخته‌ایم • ایران به دنبال باج‌گیری هسته‌ای نیست، اما تحقیر را هم نمی‌پذیرد • حفظ برنامه هسته‌ای، نمادی از استقلال و شرافت ایران شده است • راهکار عملی برای شکستن چرخه درگیری، عبور از زندان شکست‌های گذشته و بازنگری در فرضیات ناکام خویش است



گروه سیاسی: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران و معاون راهبردی سابق رئیس‌جمهور در نشست «انجمن کنترل تسلیحات» در واشنگتن که به صورت آنلاین و از تهران در آن شرکت می‌کرد با رد روایت‌هایی که فشار خارجی را مسیر نهایی برای تسلیم ایران می‌دانستند، تأکید کرد: «حلقه مفقوده در این روایت‌ها، عزت ایران است». او در سخنرانی مفصل خود، تاریخچه‌ای از برنامه هسته‌ای کشور، مقاومت در برابر تحریم‌ها و اقدامات خرابکارانه و دلیل پابندی ایران به توسعه هسته‌ای صلح‌آمیز را تشریح کرد.

ظریف در ابتدای سخنان خود گفت: «خرسندم که امروز از تهران در جمع شما حضور دارم نه به عنوان نماینده‌ای از دولت بلکه به‌عنوان عضو مؤسسه نوپای پایاب؛ سازمانی غیردولتی که مأموریت خود را در طراحی و ترسیم چشم‌اندازهای الهام‌بخش برای آینده به جای گرفتار شدن در زندان گذشته می‌بیند». وی با مرور سه دهه اخیر برنامه هسته‌ای ایران گفت: «ایران طی سالیان متمادی تحت شدیدترین تحریم‌ها، امنیتی‌سازی‌ها، تهدیدها، اقدامات خرابکارانه، ترور دانشمندان و حتی حملات نظامی قرار گرفت. با این حال هرگز تسلیم نشد؛ بلکه عزم و اراده‌اش مستحکم‌تر شد».

ظریف افزود: «در حین تحریم‌های به اصطلاح «فلج‌کننده» شمار سانتریفیوژهای ایران از کمتر از ۲۰۰ دستگاه در سال ۲۰۰۳ به ۱۹ هزار دستگاه در سال ۲۰۱۳ رسید».

نه تسلیم، نه بمب هسته‌ای

ظریف به دو دیدگاه متفاوت درباره برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت: «دشمنان ایران، برنامه هسته‌ای کشور را به عنوان برنامه‌ای پنهانی برای ساخت سلاح هسته‌ای و یا «باج‌خواهی هسته‌ای» تلقی کرده‌اند. وی همچنین به ادعاهای مکرر نخست‌وزیر سابق رژیم اسرائیل، نتانیاوو، مبنی بر نزدیک بودن ایران به ساخت بمب هسته‌ای اشاره کرد و گفت: «نتانیاوو بارها مدعی شده است که ایران تنها چند هفته یا چند ماه با ساخت بمب هسته‌ای فاصله دارد؛ ادعایی که از نیمه دهه ۱۹۹۰ میلادی تبلیغ می‌شد».

ادامه در صفحه ۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مازندران

آگهی مزایده ۱۴۰۴/م/۲۳
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی مازندران

رجوع به صفحه ۸

۴۹۶



سال هشتم شماره ۲۰۷۱
شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: گفتار روز

فرهنگ، نه بمب

بررسی سخنان پزشک‌یان و ترامپ
در سازمان ملل



محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت درباره سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور در سازمان ملل گفت: «متن سخنرانی رئیس‌جمهور پزشک‌یان بسیار فاخر و در بردارنده نکات بسیار مهمی بود و شباهت بسیار زیادی با اولین صحبت ریاست جمهوری آقای خاتمی در سازمان ملل داشت».

وی افزود: «اولین صحبت ریاست جمهوری آقای خاتمی در سازمان ملل به عزت، عظمت، فرهنگ، تمدن و نقشی که ایران در برابر شهروندان جهانی برای خود تعیین کرده است، اشاره داشت و وقتی متن سخنرانی رئیس‌جمهور پزشک‌یان را خواندم به یاد همان سخنرانی آقای خاتمی افتادم و به نحوه بیان ایشان افتخار کردم».

عطریان‌فر درباره محتوای سخنرانی گفت: «نکاتی که رئیس‌جمهور بیان کردند، یادآور تکالیف ذاتی سازمان ملل بود که ۸۰ سال است، تأسیس شده است. بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل مأموریت داشت که اگر نمی‌تواند درد شهروندان جهانی را از دوش آنها بردارد حداقل بخشی از این درد را کم کند و در برابر تضییع حقوق ضعفا از سوی کشورهای مقتدر، زورگو و قدرتمند بایستد. تمام این نکات در سخنرانی رئیس‌جمهور وجود داشت».

وی در ادامه با اشاره به نقش آمریکا در عرصه بین‌المللی گفت: «یادآوری این نکات مهم است چراکه متأسفانه سالیان متمادی آمریکا و قدرت مسلط جهانی که نقش استکباری در دنیا ایفا می‌کند، چتر تحکم و فشار و زور خود را روی تأسیسات جهانی مثل سازمان ملل اعمال کرده است».

عطریان‌فر با مقایسه سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «وقتی نحوه سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا یعنی ترامپ را می‌بینیم، احساس بدی پیدا می‌کنیم. چراکه رئیس‌جمهوری که ۷۰ درصد قدرت اقتصادی جهان را نمایندگی می‌کند، تصور می‌کند هر اراده‌ای که از جهان به ذهنش متبادر شود را می‌تواند اعمال کند».

وی درباره ادبیات سخنان آمریکا گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا سخنان زشت و وهن‌آمیزی را عرضه کرد. اگر رئیس‌جمهور ما در این موقعیت علیه ترامپ و به مخالفت او برمی‌آمد و با همان ادبیات سخن می‌گفت، حق داشت. حق ملت ما و رئیس‌جمهور ما بود اما آنقدر ملت ایران و رئیس‌جمهور ایران از این صورت‌بندی زشت فاصله دارند که این رویکرد نابخردانه را از سر می‌گذرانند و به مأموریت خود توجه می‌کنند». وی همچنین تأکید کرد: «سخنان رئیس‌جمهور در عین حالی که دلالت بر پیامی از ناحیه نخبگان، عالمان، اندیشمندان، ملت سلحشور ایران و شخصیت‌های دلسوز نظام و کشور داشت، با پیام اخیر مقام معظم رهبری نیز در تعارض نبود و بخش‌هایی از آن پیام را در متن صحبت خود ملاحظه کرده بودند».

رئیس‌جمهور عصر چهارشنبه گذشته در تشریح مواضع جمهوری اسلامی ایران در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد با نشان دادن تصاویر شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسراییل علیه ایران یادآوری کرد که ایران، کهن‌ترین تمدن پیوسته جهان، هرگز در برابر تندبادهای تاریخ سر خم نکرده و امروز نیز با تکیه بر ایمان و انسجام ملی در برابر متجاوزان سربلند ایستاده است. پزشک‌یان «دفاع دوازده روزه» مردم ایران را نماد وحدت ملی و شکست محاسبات متجاوزان دانست و با محکوم کردن طرح «اسرائیل بزرگ» و سیاست «صلح از طریق قدرت» گفت: «این نه صلح است و نه قدرت، بلکه قلدری آشکار است.» او در برابر این رویکرد، چشم‌انداز ایران را از منطقه‌ای قوی و همبسته ترسیم کرد؛ منطقه‌ای که امنیت جمعی، توسعه پایدار، کرامت انسانی، همکاری دفاعی و صیانت از محیط زیست ستون‌های آن باشد. به گفته او، ایران قدرت خود را نه در بمب هسته‌ای، که در فرهنگ نوع‌دوستی و میراث معنوی بزرگان خود می‌بیند و امروز جهان را به ساخت آینده‌ای مشترک، امن و انسانی فرا می‌خواند.

ادامه تیتیر یک

از گذشته عبور کنیم



Arms Control Association

ایران، عزت آن را به رسمیت شناخت. برخورد به عنوان یک طرف برابر این امکان را فراهم کرد که ایران نظارت‌های بی‌سابقه و محدودیت‌هایی را بپذیرد. آن توافق، تنها زمانی ممکن شد که ایالات متحده و دیگران با ایران بر پایه احترام متقابل و به طور برابر تعامل کردند».

تجربه برجام

وزیر امور خارجه پیشین با اشاره به برجام و اهمیت آن برای ایران گفت: «مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام در ۲۰۱۵ با پذیرفتن توانایی غنی‌سازی ایران، عزت آن را به رسمیت شناخت. برخورد به عنوان یک طرف برابر این امکان را فراهم کرد که ایران نظارت‌های بی‌سابقه و محدودیت‌هایی را بپذیرد». ظریف با اشاره به خروج آمریکا از برجام و ناکامی اروپا گفت: «این وضعیت دوام نیاورد چراکه عادت‌های کهنه به سختی از بین می‌روند. ترامپ از توافق خارج شد و رویکرد شکست‌خورده را از سر گرفت. همچنین بایدن هم همان مسیر را دنبال کرد. اروپا با خودشیفتگی ایران را سرزنش کرد، در حالی که خود اراده، توان یا هر دو را برای ایفای تعهدات خویش نداشت».

ظریف، اسراییل را به اقدامات نظامی و تروریستی گسترده متهم کرد و گفت: «خبر تازه‌ای برای مرتس و ترامپ دارم: خطرناک‌ترین تروریست دولتی جهان همین حالا به سلاح‌های هسته‌ای مجهز است. نسل‌کشی و گرسنگی اجباری علیه دو میلیون نفر در غزه، آپارتاید و خشونت شهرک‌نشینان علیه میلیون‌ها نفر دیگر در کرانه باختری و بمباران‌های گسترده علیه غیرنظامیان».

ظریف ادامه داد: «اشتباه نکنید. هراس بنیادین اسراییل از صلح است. نتانیاهو به صراحت مأموریت خویش را نابودی توافق هسته‌ای ایران قرار داد اما نفرتش از ثبات به ایران محدود نیست. او هر فرصتی برای صلح در فلسطین را از دهه ۱۹۹۰ ناپود کرده است». وی در پایان راهکارهایی برای حل بحران ارائه داد: «بیباید از زندان شکست‌های گذشته عبور کنیم، فرضیات ناکام خویش را بازنگری کنیم، رویکردهای مبتنی بر احترام متقابل را در نظر آوریم و بدین ترتیب امکان‌های آینده‌ای الهام‌بخش بسازیم».

وی همچنین پیشنهاد کرد که «شسبکه خاورمیانه‌ای برای پژوهش و پیشرفت اتمی» یا مناره ایجاد شود. این ابتکار یک نهاد منطقه‌ای مشارکتی برای عدم اشاعه و همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای است و به همه کشورهای خاورمیانه که متعهد به مردود دانستن سلاح‌های هسته‌ای باشند، گشوده خواهد بود.

افزود: «مردم حول پرچم گرد آمدند و رهبری پیروزی را اعلام و بر حق و یتت ایران برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای تأکید کرد». ظریف با اشاره به دو دیدگاه غالب درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت: «اگر ایران می‌خواست بمب بسازد تاکنون ساخته بود، در حالی که برای نساختن بمب، هزینه‌ای بالاتر از کسانی که واقعاً آن را ساخته‌اند، پرداخته است. چرا ایران چنین قیمت سنگینی پرداخته بدون آنکه کاری را که نتانیاها ۳۰ سال قبل ادعا می‌کرد در ۶ ماه انجام می‌شود به پایان رساند»؟

وی افزود: «اگر ایران می‌خواست «باج‌گیری هسته‌ای» کند چرا باج‌گیری طرف‌های مقابل از راه تحریم و زور غریان توانست، آن را متوقف کند؟ چرا با وجود رنج‌های اقتصادی، ایران حاضر نشد در قبال پیشنهادها و پرمفعتی همچون عادی‌سازی روابط، سرمایه‌گذاری‌ها و... فعالیت‌های هسته‌ای خود را رها کند»؟

ظریف درباره بازدارندگی گفت: «در مقابل، اگر ایران می‌خواست با برنامه غنی‌سازی از طریق «توانایی قانونی» بازدارندگی ایجاد کند چرا اکنون که اثبات شده این برنامه، به جای بازدارنده بودن، بهانه و هدفی برای حملات و فشار اقتصادی بوده، غنی‌سازی را متوقف نمی‌کند یا به سوی ساخت بمب نمی‌شتابد؟» وی تأکید کرد: «ایران هیچ‌یک را انجام نداده است؛ نه تسلیم شده و نه حتی اکنون، که تقاضای اجتماعی فراوان است و توجیه حقوقی به راحتی قابل ارائه است، به سوی بمب شتافته است. در عوض، ایران به طور پایدار، توسعه هسته‌ای را بدون تسلیحاتی کردن، ادامه داده است».

ظریف افزود: «آشکار است که این وضعیت را نمی‌توان با این دو روایت توجیه کرد: روایت‌هایی که به فرضیه‌ای منجر شده‌اند مبنی بر اینکه فشار بیشتر در نهایت، ایران را وادار به تسلیم خواهد کرد. به نظر من حلقه مفقوده در این روایت‌ها، عزت ایران است». وی با اشاره به تاریخ معاصر ایران گفت: «از انقلاب اسلامی به بعد، ایران هویت مستقل و عزت خود را با موفقیت بازپس گرفت. قدیمی‌ترین دولت-تمدن با تاریخ امپراتوری پرغرور از ۱۸۰۴ تا ۱۹۴۶ با از دست دادن سرزمین، اشغال و تحقیر روبه‌رو بود و از ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۹ به توانمندی وابسته به بیگانگان گرفتار آمد».

ظریف افزود: «با عبور از همه این چالش‌ها، هر چند با هزینه‌ای هنگفت، ایران اجازه نمی‌دهد با تسلیم در برابر زورگویی، تحقیر شود. برای ایران، حفظ برنامه هسته‌ای در برابر فشارهای بیرونی، نمادی از استقلال و شرافت شده است و نمی‌توان بر این قیمت گذاشت». وی درباره مذاکرات هسته‌ای گفت: «مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام در ۲۰۱۵ با پذیرفتن توانایی غنی‌سازی

ظریف ادامه داد: «در سوی دیگر ظیف، ناظران معتدل‌تر، غنی‌سازی اورانیوم را برنامه‌ای قانونی برای دستیابی به «توانمندی مشروع» ارزیابی کرده‌اند. نهایتاً هر دو برداشت بر این فرض استوار است که مقصد نهایی برنامه هسته‌ای ایران، دستیابی به سلاح هسته‌ای است».

وزیر خارجه پیشین ایران افزود: «من بر این باورم که توضیح سومی وجود دارد که واقع‌بینانه‌تر و دقیق‌تر، ماهیت این برنامه را روشن می‌کند و به جهان اجازه می‌دهد با موفقیت بیشتر با آن تعامل کند و آن «عزت» است». وی با ارائه شواهد ادامه داد: «حمله سایبری استاکس‌نت توسط آمریکا و رژیم اسرئیل در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و نیز ترور دانشمندان هسته‌ای توسط رژیم اسرئیل، تنها وقفه‌ای کوتاه ایجاد کرد اما بلافاصله با گسترش توانمندی‌های ایران پاسخ داده شد».

ظریف به اقدامات دولت ترامپ اشاره کرد و گفت: «کارزار موسوم به «فشار حداکثری» پس از خروج دولت ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ نیز نتیجه‌ای مشابه داشت: ظرفیت غنی‌سازی از حدود ۵ هزار سو در ژوئن سال ۲۰۱۹ به نزدیک ۱۳۰ هزار سو در ژوئن ۲۰۲۵ رسید و درصد غنی‌سازی از کمتر از ۴ درصد به بیش از ۶۰ درصد ارتقا یافت در حالی که همکاری با آژانس به شدت کاهش پیدا کرد».

وی با یادآوری ترور شهید محسن فخری‌زاده افزود: «در اواخر سال ۲۰۲۰ اسرئیل برجست‌ترین دانشمند هسته‌ای ایران، شهید محسن فخری‌زاده را ترور کرد. در پاسخ، مجلس شورای اسلامی قانونی برای افزایش غنی‌سازی و محدودسازی دسترسی بازرسان تصویب کرد. در نتیجه به جای محهور کردن ایران هر مکانی برای توافق با دولت جدید بایدن از میان رفت. باید اضافه کنم که هدف طراحان آن عملیات نیز به روشنی همین بود».

دانش ایران را نمی‌توان بمباران کرد

ظریف درباره واکنش ایران به حملات نظامی گفت: «چند ماه پیش از این دو قدرت هسته‌ای طی ۱۲ روز به شدت زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را بمباران کردند. این حملات، دانشمندان و مراکز غنی‌سازی و... را هدف قرار داد. اما ایران نه تسلیم شد و نه از حقوق هسته‌ای خود صرف‌نظر کرد». او ادامه داد: «واقعیت این است که دانش ایران را نمی‌توان بمباران کرد». وی با بیان اینکه «تأسیسات کلیدی مورد اصابت قرار گرفتند اما این پیش از پیش بر لزوم استکا به خویش و عدم اعتماد به غرب، اطمینان پیدا کرد»

ادامه سر مقاله

دیپلماسی ناقص در نیویورک

در نهایت، ترامپ مواضع خود را کاملاً تغییر داد؛ با اروپا هماهنگ شد، بر تقویت ناتو با پشتیبانی تسلیحاتی آمریکا تأکید کرد و حمایت از اوکراین برای بازپس‌گیری سرزمین‌هایش را ضروری دانست. این تغییر رویکرد که ممکن است بتواند مساله روسیه و اوکراین را حل کند، چراکه روس‌ها نیز امکانات لازم برای مقابله با تحقق چنین هدفی را دارند، از اتفاقات مهم نشست امسال بود.

اما درباره ایران؛ با وجود اهمیت پرونده هسته‌ای و تأثیر آن بر خاورمیانه و امنیت منطقه خلیج فارس به نظر می‌رسد ایران آن‌طور که لازم بود، نتوانست در این گردهمایی نقش مؤثری ایفا کند و کشورهای زیادی درگیر مساله ایران نشدند. هرچند دکتر پزشک‌یان در سخنرانی خود با اشاره به حقانیت ایران در برابر آمریکا و اسرئیل، نقش خود را ایفا کرد اما

همه می‌دانند در چنین نشست‌هایی صرفاً نقطه‌ها تعیین‌کننده نیست؛ بلکه آنچه اثرگذار است، دیپلماسی پنهان و پشت‌پرده است. امیدوارم نشانه‌ها و نتیجه دیپلماسی موفق ایران را در سازمان ملل ببینیم. تا اینجا که دیپلماسی ایران محدود به رایزنی با تروئیکای اروپایی، دیدار پزشک‌یان با رئیس‌جمهور یکی از این سه عضو و دیدار مجدد آقای عراقچی با وزیر امور خارجه فرانسه بوده است. این سطح از تحرک با ظرفیتی که گردهمایی سازمان ملل برای ایران داشت، همخوانی ندارد و موجب شد بسیاری از کشورها به‌طور جدی پشت ایران قرار نگیرند. ایران می‌توانست نقش پررنگ‌تری ایفا کند اما به نظر می‌رسد، تمهیدات لازم در سیاست خارجی کشور، پیش‌بینی نشده بود.

پیشنهاد چین و روسیه برای تمدید ۶ ماهه مهلت استفاده

از اسنپ‌بک می‌توانست دست‌کم دستاوردی نصیب هیات ایرانی کند، اگر اسنپ‌بک اعمال شود باید تقدی جدی به برنامه‌ریزان سفر رئیس‌جمهور وارد کرد. چنانچه دفتر ریاست‌جمهوری، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی توانسته باشند، زمینه‌ای فراهم کنند تا رئیس‌جمهور در بازگشت از نیویورک با یک دستاورد حداقلی وارد کشور شود و بنا باشد، پزشک‌یان بعد از اعمال اسنپ‌بک بگردند نه تنها نتیجه‌ای ضعیف بلکه دستاوردی منفی و غیرقابل قبول خواهد بود و به این معناست که یا مسئولان دیپلماسی، پیگیری‌های لازم را انجام نداده‌اند یا دستگاه سیاست خارجی، آمادگی ایثار و فدا کردن اعتبار خود را برای جلوگیری از گرفتار شدن کشور در محصه تحریم‌های سازمان ملل و بازگشت به ذیل فصل هفتم نداشته است.

طعنه به گروسی

نشست هفته جهانی انرژی اتمی در مسکو

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



مسکو در هفته جهانی انرژی اتمی، میزبان رهبران و مقاماتی از کشورهای مختلف بود؛ نشستی که در آن ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهور بلاروس، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، آبی احمد نخست‌وزیر ایتوپی، مین اون هالین سرپرست ریاست‌جمهوری میانمار، جمشید خوجایف معاون نخست‌وزیر ازبکستان، محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنار هم نشستند. مدیریت این نشست بر عهده الکسی لیخاچوف، مدیرکل شرکت «روس‌اتم» بود. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این گردهمایی، سخنان صریح محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران بود. او در حضور پوتین و دیگر مقامات عالی‌رتبه جهانی، خطاب به آمریکا و سه کشور اروپایی اعلام کرد:

«شما نمی‌توانید ملت بزرگ و فرهیخته ایران را تسلیم اراده ناپاک خود کنید. بیایید از این پس دروغ نگویید و حقیقت را به مردم جهان بگویید». اسلامی با لحنی تند ادامه داد: «دست از

سیاست‌های حکمرانی بلامنازع و غارت منابع ملت‌ها بردارید؛ همان کاری که در دوران استعمار و برده‌داری انجام دادید». او تأکید کرد که برنامه هسته‌ای ایران «کاملاً شفاف» است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها تحت فشار غربی‌ها در مسیر ایجاد مزاحمت حرکت می‌کند: «آژانس ۸۰ درصد بودجه پادمان را صرف اشکال‌تراشی علیه ایران کرده است». او خطاب به غرب گفت: «بس کنید. مسیر ایران شفاف است و از آن باز نخواهد گشت».

۵۰ سال صنعت هسته‌ای ایران

اسلامی در بخش دیگری از سخنانش به تاریخچه صنعت هسته‌ای ایران اشاره کرد: «سال گذشته پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران را جشن گرفتیم. حاصل نیم قرن تلاش دانشمندان و متخصصان ایرانی، صنعتی پرافتخار و امیدآفرین است که ایران را به نماد پیشرفت علمی و فناوری در منطقه بدل کرده است». او یادآور شد که این مسیر همواره با دشمنی و کارشکنی همراه بوده است: «از عملیات روانی و سیاسی گرفته تا تحریم، تهدید، ترور، خرابکاری صنعتی و حتی عملیات نظامی. همه این اقدامات علیه صنعت هسته‌ای ایران انجام شده اما هیچ‌گاه نتوانسته‌اند ما را متوقف کنند».

دیپلماسی

آخرین هشدارها در نیویورک

پزشکیان: نوع تعامل ایران متناسب با وضعیت جدید تنظیم خواهد شد

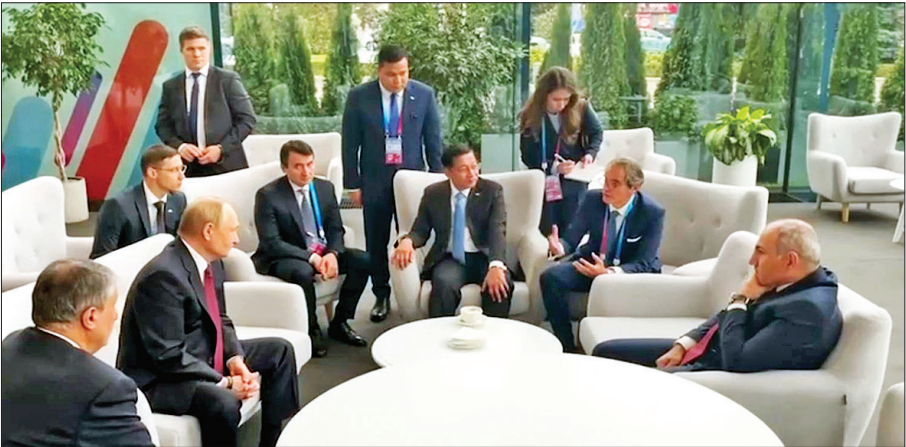
در حاشیه هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، مجموعه‌ای از دیدارهای فشرده و مهم دیپلماتیک میان مقامات جمهوری اسلامی ایران و سران کشورهای مختلف برگزار شد. نقطه کانونی این دیدارها، ملاقات مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران با امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه بود؛ دیداری که به دلیل هم‌زمانی با بحث‌های پرتش پیرامون پرونده هسته‌ای ایران و تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه توجه زیادی را برانگیخت.

پزشکیان در این دیدار تأکید کرد: «ایران به هیچ‌وجه به دنبال ساخت بمب هسته‌ای نیست و آماده است در چارچوبی قابل قبول با طرف‌های اروپایی در بحث هسته‌ای خود گفت‌وگو کند». او همچنین یادآور شد که ایران همواره مواضع خود را شفاف اعلام کرده و از مسیر دیپلماسی استقبال می‌کند.

در مقابل، ماکرون با بیان اینکه «فرانسه مایل به حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه و جلوگیری از جنگ است» اظهار کرد: «کشورم آماده است برای جلوگیری از تشدید اوضاع و حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران تلاش کند». رئیس‌جمهور فرانسه همچنین در بیانیه‌ای پس از این دیدار، موضوع بازداشت اتباع فرانسوی در ایران را برجسته کرد و در شبکه ایکس نوشت: «اول و مهم‌تر از همه، من درخواست خود را تکرار کردم؛ سیسیل کوهرل، ژاک پاری و لئارت موتزلو، گروگان‌های دولتی که به‌طور خودسرانه در شرایط غیرانسانی در ایران بازداشت شده‌اند باید فوراً آزاد شوند. فرانسه هیچ‌یک از فرزندان خود را رها نخواهد کرد».

ماکرون سپس درباره پرونده هسته‌ای هشدار داد: «در مواجهه با عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود، ما به همراه آلمان و بریتانیا تصمیم گرفته‌ایم که روند اسنپ‌ک را فعال کنیم و به ما اجازه می‌دهد، تحریم‌ها را علیه ایران دوباره اعمال کنیم». او تأکید کرد: «موضع ما روشن است: ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد». ماکرون در ادامه خواسته‌های کشورش را چنین برشمرد: «دسترسی کامل بازراسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران، شفافیت در مورد ذخایر مواد غنی شده و از سرگیری فوری مذاکرات». او در پایان نوشت: «توافق همچنان امکان‌پذیر است. فقط چند ساعت دیگر باقی مانده است. این به ایران بستگی دارد که شرایط مشروعی که تعیین کرده‌ایم را برای امنیت منطقه و برای ثبات جهان رعایت کند».

تنه‌پاک روز پس از این دیدار، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در لاهه اعلام کرد که به درخواست فرانسه، پرونده شکایت این کشور علیه ایران مختومه شده است. فرانسه در این پرونده مدعی شده بود، بازداشت دو شهروند فرانسوی، سیسیل کوهرل و ژاک پاریس، نقض قوانین بین‌المللی بوده است. این دو نفر در



پیام به گروسی

یکی از حاشیه‌های جالب نشست، گفت‌وگوی مستقیم اسلامی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. رسانه‌ها گزارش دادند که اسلامی خطاب به گروسی گفت: «یاد بگیرید، موضع‌تان روشن باشد». این جمله به‌سرعت در میان خبرنگاران حاضر بازتاب یافت و به‌عنوان پیامی صریح ایران به آژانس تلقی شد.

بازدید از «موزه اتم»

در پایان این برنامه، پوتین و سران هیأت‌های خارجی شرکت‌کننده از موزه «اتم» بازدید کردند؛ موزه‌ای که نمادی از تاریخ و دستاوردهای هسته‌ای روسیه محسوب می‌شود. نشست مسکو بار دیگر فرصتی بود تا ایران مواضع خود را آشکارا بیان کند. اسلامی در برابر قدرت‌های غربی بر استقلال و شفافیت برنامه هسته‌ای ایران تأکید و در عین حال با همکاری‌های راهبردی با روسیه، چشم‌اندازی تازه برای آینده صنعت هسته‌ای کشور ترسیم کرد.

آمریکا

سخنرانی نتانیاهو برای صندلی‌های خالی

از گزافه‌گویی علیه ایران تا حمله به غرب

نخست‌وزیر رژیم اسرائیل در هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر گفتمان ضدایرانی را تکرار و با لحنی تهدیدآمیز به کشورهای غربی درباره به‌رسمیت شناختن فلسطین تاخت. هم‌زمان با آغاز سخنرانی نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل، شمار زیادی از دیپلمات‌های کشورهای مختلف، سالن محل سخنرانی را ترک کردند.

نتانیاهو از نقش بازیگران منطقه‌ای تل‌آویو سخن گفت و حملات حماس از غزه، موشک‌پراکنی حزب‌الله از لبنان، حضور نظامی ایران در سوریه و حملات حوثی‌ها در یمن را نمونه‌هایی از تهدید خواند. وی در ادامه اقدامات خود، تابلوهایی را نشان داد و گفت: «می‌خواهم از شما سوالاتی بپرسم. دست‌تان را بالا بیاورید: چه کسی می‌گوید، مرگ بر آمریکا؟ ایران؟ حماس؟ حزب‌الله؟ حوثی‌ها؟ یا همه موارد؟ سوال دوم: چه کسی، آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را کشته است؟ القاعده؟ حماس؟ حزب‌الله؟ ایران؟ یا همه موارد؟» او با افتخار از آنچه در یک سال گذشته رخ داده، یاد و ادعا کرد، اسرائیل شبکه ترور حماس را تضعیف، بخش عمده‌ای از توان موشکی و رهبری حزب‌الله را هدف قرار داده و در عراق و سوریه نیز ضربه زده است. همچنین مدعی شد، فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ایران کشته شده‌اند و از عملیات علیه ایران به‌عنوان «جنگ ۱۲ روزه» یاد کرد که به‌زعم او با همکاری دونالد ترامپ، تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده است. نتانیاهو خواستار جلوگیری کامل از بازسازی برنامه هسته‌ای ایران، نابودی ذخایر غنی‌سازی و از سرگیری تحریم‌های شورای امنیت شد. با این حال، گزارشی از شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل نشان می‌دهد که مقامات این کشور به او فشار آورده‌اند تا به‌دلیل تلفات و ضربات شدید ایران، جنگ را در روز چهارم خاتمه دهد؛ نکته‌ای که ادعاهای گسترده و قاطعانه نتانیاهو را به چالش می‌کشد. در مجموع سخنرانی او ترکیبی از نمایش قدرت، بازنمایی تهدیدات منطقه‌ای و درخواست برای حمایت بین‌المللی و بازگرداندن فشارهای تحریمی بر ایران بود، گرچه تناقضاتی در روایت رسمی اسرائیل درباره میزان موفقیت و پیامدهای نظامی این عملیات وجود دارد.



به گفته اسلامی، غربی‌ها در خفا می‌دانند که برنامه هسته‌ای ایران نظامی نیست: «آنها می‌دانند اما می‌گویند ایران نباید صنعت هسته‌ای داشته باشد. پرونده هسته‌ای ایران با مدارک جعلی و نقش‌آفرینی رژیم صهیونیستی ساخته شد تا بهانه‌ای برای فشار و تحریم باشد. اما این فشارها بیش از نیم قرن است، ادامه دارد و به نتیجه نرسیده است».

همکاری‌های جدید با روسیه

اسلامی سپس به همکاری‌های آینده ایران و روسیه اشاره کرد: «ما امروز در مسکو هستیم با اراده روسای جمهور دو کشور؛ آقایان مسعود پزشکیان و ولادیمیر پوتین. برنامه‌های تازه‌ای در دستور کار داریم؛ از جمله ساخت نیروگاه‌های جدید و ایجاد نیروگاه‌های کوچک مقیاس (SMR) با همکاری روس‌اتم». او افزود: «با تجربه‌های گذشته و با توکل بر خدا این مسیر پرافتخار را تا رسیدن به پیروزی نهایی ادامه می‌دهیم».

مذاکرات یک بی‌اعتمادی نسبت به غرب وجود دارد. باور داریم که دیپلماسی تنها راه رفع این بی‌اعتمادی است». در گفت‌وگو با آرسه کاتاکورا، رئیس‌جمهور بولیوی، رئیس‌جمهور بار دیگر تأکید کرد: «در صورت فعال شدن اسنپ‌ک، نوع تعامل ایران متناسب با وضعیت جدید تنظیم خواهد شد».

دیدارهای عراقی در نیویورک

در حاشیه این دیدارها، عباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز برنامه‌ای فشرده از ریزینی‌های دیپلماتیک داشت. وزیر امور خارجه نیز در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، دیدارهای دیپلماتیک داشت. وی با همتایان خود از اتریش، سودان، عمان، لهستان، مصر، سوئد، فنلاند، قبرس، مجارستان، اسپانیا، قطر، ایرلند، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، هلند، نروژ، سوئیس، فرانسه، انگلیس، برزیل، اسلواونی و ونزوئلا دیدار کرد و در نشست مشترک چهارجانبه وزرای امور خارجه چین، ایران، پاکستان و روسیه نیز حضور داشت. سخنرانی در نشست سطح عالی سازمان همکاری اسلامی به مناسبت هزاروپانصدمین سالگرد میلاد پیامبر اکرم (ص) سخنرانی در اجلاس علیه‌تریتف اتحاد تمدن‌های کهن و دیدار با رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دیگر برنامه‌های وزیرخارجه بود. عراقچی در مقاله تازه خود در در جاکارتا پست در محکومیت اقدام سه کشور اروپایی در راستای فعال‌سازی اسنپ‌ک نوشت: ترویکای اروپایی با آغاز این بازی، پیامدهای منفی فراوانی را متوجه اعتبار و جایگاه بین‌المللی اروپا کرده است. در این بازی، سه کشور اروپایی نه‌تنها پیروز میدان نخواهند بود بلکه از روندهای دیپلماتیک آتی نیز کنار گذاشته خواهند شد.

یاد

شرافت هنر

بدرقهٔ پیکر زنده‌یاد احمد پژمان



بدرقه و تشییع پیکر زنده‌یاد احمد پژمان، موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز فقید، جمعه چهارم مهرماه با حضور هنرمندانی چون حسین علیزاده، مجید انتظامی، داود گنجهای، شریف لطفی، علی‌اکبر شکارچی و شاگردان این آهنگ‌ساز فقید و تعدادی از مسسولان فرهنگی در بهنهٔ فرهنگی هنری رودکی مقابل تالار وحدت برگزار شد.

احمد پژمان ۷ شهریور بعد از یک دوره بیماری در ۹۰ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت. بنابر تصمیم خانوادهٔ زنده‌یاد پژمان، پیکر این هنرمند قرار بود در آمریکا به خاک سپرده شود اما با همکاری خانوادهٔ استاد پژمان و جمعی از هنرمندان برای خاک‌سپاری در ایران، بامداد سوم مهر از واشنگتن به تهران بازگردانده شد. این روند طولانی با پیگیری و تلاش هنردوستان، هنرمندان، شاگردان و خانواده مرحوم استاد احمد پژمان و همت مردم هنردوست شهر لار و شورای اسلامی این شهر و هماهنگی‌های دفتر امور موسیقی و انجمن موسیقی ایران و دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن به انجام رسید.

در این برنامه، پیکر استاد برای آخرین دیدار و همراهی و بدرود، در کنار جمع هنرمندان موسیقی، خانواده و دوستان و دوستدارانش قرار گرفت و قطعه‌ای از ساخته‌های زنده‌یاد پژمان توسط یک ارکستر اجرا شد. پیکر استاد پس از تشییع از مقابل تالار وحدت برای خاک‌سپاری به شهر لار، زادگاه این استاد فقید منتقل می‌شود و امروز (شنبه ساعت ۱۵:۳۰) در قطعهٔ هنرمندان و نام‌آوران دارالرحمه لار به خاک سپرده می‌شود.

پرواز را به خاطر بسپار

هوشنگ کامکار، آهنگ‌ساز پیشکسوت و از دوستان زنده‌یاد احمد پژمان در این آیین با گرمی‌داشت یاد این هنرمند فقید و قدردانی از برگزارکنندگان این مراسم این شعر پرواز را به خاطر بسپار، پرندۀ مردنی است فروغِ فرخ‌دار خواند و در ادامه گفت: «کارهایی که پژمان انجام داده و آثاری که ساخته است، ویژگی‌های خاصی داشت که تا ابد در خاطر هنرمندان و علاقه‌مندان موسیقی باقی خواهد ماند، مرگ او همچون پرواز جاودانه‌ای است و او همیشه زنده است.» کامکار با اشاره به آشنایی خود با احمد پژمان افزود: «زمانی که در سنینج زندگی می‌کردم، آثار و فعالیت‌های او را دنبال می‌کردم و وقتی به تهران آمدم، پژمان در دانشکدهٔ هنرهای زیبا استاد بود و بسیار از او آموختم و چندین سال با هم زندگی می‌کردیم، از فعالیت و ساخت آثار پژمان که ناشی از خلاقیت و شناخت او از موسیقی کلاسیک بود، شگفت‌زده می‌شدم. استاد پژمان در عین حال که دانش بالایی در حوزهٔ موسیقی داشت بسیار متواضع بود حتی بسیاری از کارگران اطراف محل زندگی‌اش از درگذشت او ناراحت شدند. چندی پیش مراسم بزرگداشتی برای این هنرمند در آمریکا برگزار شد که بسیار قابل توجه بود. می‌دانم هنرمندان ساکن ایران از مرگ پژمان ناراحت هستند، وقتی این خبر را شنیدم، چند روزی در بیمارستان بستری شدم و بعد از بهبودی، اثری به نام «باد تتدی باید...» را به یاد پژمان ساختم که منتشر شد. کارهای خوب یا بد انسان پس از مرگش در دنیا خواهد ماند و اگر کار خوبی انجام داده باشد، پروازش جاودانه خواهد بود، همان‌طور که نام و یاد پژمان تا ابد جاودانه است و شایسته است که قبل از مرگ هنرمندان به یاد آنان باشیم.»

محمدرضا درویشی موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز و پژوهش‌گر موسیقی نواحی نیز در این آیین با گرمی‌داشت یاد استاد پژمان گفت: «حدود ۵۰ سال گذشته که من سال اول دانشکدهٔ هنرهای

زیبای دانشگاه تهران بودم، آقای هوشنگ کامکار، دانشجوی سال چهارم این دانشکده بود. ما درسی با مرحوم داریوش صفوت به نام «آشنایی با موسیقی ایرانی» داشتیم. در آن زمان مرحوم صفوت گفت «طراوت برون می‌نماید از سر درون»؛ در عرصهٔ هنر طراوات برون چه هست؟ به نظرم آثار هنری ناب اعم از موسیقی، شعر و ادبیات و آن سر درون هم باطن هنرمند است که اگر نباشد، آثار ارزشمند و خلاق هنری بیرون نمی‌آید و مرحوم احمد پژمان دربرگیرنده چنین ویژگی‌های ارزشمندی بود.

آشنایی فرمان‌آرا با پژمان

بهمن فرمان‌آرا، نویسنده و کارگردان پیش‌کسوت نیز با بیان خاطراتی از آشنایی خود با زنده‌یاد پژمان گفت: «آشنایی ما با احمد در فیلم «شازده احتجاب» آغاز شد. در جریان برنامه‌ای یکی از آثار او را شنیدم و پسندیدم و از او درخواست کردم که موسیقی این فیلم را بسازد، هر چند که ابتدا او نپذیرفت و گفت تاکنون موسیقی فیلم نساخته است اما در پایان پذیرفت. در جریان ساخت موسیقی فیلم «شازده احتجاب» به پژمان گفتم چه نوع موسیقی مدنظرم است و چه سازهایی را نمی‌خواهم، فیلم مربوط به دوره قاجار بود و باید ویژگی‌های خاصی در ساخت موسیقی آن مورد توجه قرار می‌گرفت. علی‌ربری از دوستان پژمان هم پذیرفت که رهبری ارکستر را به عهده بگیرد، در نهایت موسیقی فیلم ساخته شد و همکاری خوبی با پژمان داشتم. چند ماه گذشته طی سفری به لس‌آنجلس با پژمان ملاقات کردم، هرچند شرایط جسمانی مناسبی نداشت اما باز هم او را هنرمند توانمندی دیدم و موقع خداحافظی به من گفت، باز هم بیا اما شرایط دیدار دوباره او را نداشتم و خود را نمی‌بخشم که نتوانستم دوباره احمد را ببینم. پژمان، انسان مهربان و متواضعی بود و یکی از افتخارات زندگی‌ام، دوستی با پژمان است.»

با شرافت موسیقی ما را حفظ کرد

یلدا ابتهاج، دختر زنده‌یاد هوشنگ ابتهاج نیز در این آیین گفت: «کمت از یک ماه گذشته که برای سومین سال‌گرد درگذشت پدرم به ایران آمده بودم، خبر درگذشت استاد پژمان را شنیدم، به همسر استاد گفتم تا اگر امکانی برای انتقال پیکر استاد به ایران وجود دارد، من آماده همکاری هستم و همسرش شیرین‌بانو نهایت همکاری را در این زمینه انجام داد. دیگر دل‌های ما برای موسیقی این سرزمین نمی‌تپد و این نشانه مهاجرت موسیقی و موسیقی‌دان‌هاست. شایسته است تا مراسمی شایسته برای استاد پژمان برگزار شود؛ این هنرمند بزرگ موسیقی ماست و با شرافت موسیقی ما را حفظ کرد. پژمان دریچهٔ جدیدی برای موسیقی ما گشود. او به انسانیت وفادار بود و سرمشی برای هنرمندان شد. پژمان با پیوستگی مهر به ایران به زندگی ادامه داد و سیاست‌گزارم که با همکاری هنردوستان و مسئولان، پیکر استاد پژمان در لار و زادگاهش به خاک سپرده می‌شود.»

شیرین بذله، همسر مرحوم احمد پژمان نیز در این آیین گفت: «خیلی خوشحالم که به یاری هنردوستان، آرزوی احمد پژمان برآورده شد و پیکر او در ایران به خاک سپرده می‌شود. از کمک‌های بی‌دریغ همه دوستان قدردانی می‌کنم که بدون آنان چنین کاری امکان‌پذیر نمی‌شد. در ۳۵ سال زندگی مشترک با پژمان همواره دوستی محترم، همسری دلسوز برای من و پدري مهربان برای فرزندانم بود. از او بسیار آموختم، او در مقابل مشکلات دیگران خود را مسئول می‌دانست، او به کل افراد جامعه علاقه داشت و همواره برای تک تک آنان آرزوی صلح و آرامش می‌کرد.»

مهدی فتحی، علی صدر

نویسنده

متن زیر بخشی کوتاه شده و خلاصه از گفت‌وگوی مفصل‌تری با محمد قائد است که قرار است در کتابی با عنوان «ماضی بعید ناکامل» به چاپ برسد. پاسخ‌ها هم‌چنین تعداد پرسش‌ها در گفت‌وگوی اصلی به مراتب مفصل‌تر است.

مهدی فاتحی: دربارهٔ صادق هدایت بسیار نوشته‌اند و گفته‌اند. آثارش ستایش‌شد پس از آنکه خود او در روزگار خویش آزار دید. از همه بیزار بود و دل خوشی از ایرانی بودن نداشت. تافته‌ای جدابافته از ایران و ایرانی بود؟

پدیده‌ای بود خاص و منحصر به فرد با سیمایی بامزه و برخی نوشته‌های مفرح در عین شهرت به غمزدگی. پیرامون مضمون «مرگ نویسنده» به معنی کنار رفتن یا کنار گذاشته شدنش و استقلال نوشته از خالق اثر و چارچوبی که در نقد آن به دست داده‌اند در کلاس‌های ادبیات فرانسه، آمریکا، کانادا و جاهای دیگر بسیار بحث شده است. به نظر من نویسنده و نوشته به همدیگر شکل و هویت می‌دهند و بند ناقشان قطع نمی‌شود. سال‌هاست کسانی متأسفانه که صادق هدایت مقداری از نوشته‌هایش را از بین برد، در دنیا کاغذهای مجاله و / یا دست‌نوشته‌های پر از خط‌خوردگی را عیناً کلیشه و چاپ می‌کنند با این تلقی که حق خواننده است، بدانند چه را قلمزن نیستندید و چرا. هدایت هم مستقیماً آزاری ندید. در عین اینکه مشکل بتوان گفت به او کاملاً خوش می‌گذشت، نمی‌توان نتیجه گرفت زیر فشار بود.

قابل درک است، مقام‌های فرهنگی حکومت رضا شاه در گرم‌گرم تبلیغ ملی‌گرایی دوآتشه و احیای مجدد و عظمت نیاکان، هجو بدیع و غریب «وغوغ ساهاب» را نپسندند. سندی در این باره ندیده‌ام اما با توجه به مکاتبات انتشار یافتهٔ شهربانی، می‌توان حدس‌هایی زد. علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف در حاشیهٔ راپورت حبیب یغمایی داور بر اینکه احمد کسروی به مفاخر ملی بی‌احترامی می‌کند به شهربانی مأموریت داد، روزنامهٔ کسروی را ببندد. در مورد هدایت شاید حتی نیازی به چُغلی یغمایی نبود و شخص حکمت با خواندن طنز بُرندهٔ هدایت و فرزند خندید و اخم کرد و دستور ۵ سال ممنوعیت نشر آثارش را داد.

علی صدر: آن ممنوعیت‌اثر داشت و آزارش داد؟

در خاطرات ناشر آلمانی آثار فرانتس کافکا (نویسندهٔ مورد علاقهٔ هدایت) می‌خوانیم، جیمز جویس که به خودش عنوان «پُرفسور» داده بود را تحویل نمی‌گرفت: «اگر احساسی داشتم احتمالاً این بود: کیست مثلاً «پرفسور» خل‌رضعی که از شهر ترست در ایتالیا با آلمانی‌بد از من می‌خواهد، متنی انگلیسی را به زبان آلمانی منتشر کنم؟» ناشرهای دنیا هر سال در هزارها‌نامه به نویسنده‌های آرزو به‌دل اعلام می‌کنند که تمایلی به چاپ اثرشان ندارند (و گاه پشیمان می‌شوند سخت مانند مورد «مزرعهٔ حیوانات» جرج اورول). همان ناشر با تأسف به یاد می‌آورد، دست‌نوشتهٔ «زوال غرب» اسوالد اسپنگلر که بعدها آوازه و اعتباری یافت را نخوانده پس فرستاد.

کارنامه مبهم هدایت

گفت‌وگو با محمد قائد دربارهٔ صادق هدایت

هدایت مخالف و طعن‌زن و دشمن فراوان داشت اما جایی ثبت نشده ناشری پس از چاپ یک اثرش، دست‌نوشتهٔ بعدی را رد کرده باشد. کلاً نویسندهٔ تثبیت شده، کارش را دست نمی‌گیرد بدون توافق قبلی به این و آن نشان دهد. کار چنین قلمزنی مداوم و ملایم فروش است. نه مثل ورق زر می‌برند و نه باد می‌کند.

اسم این را که سال ۱۳۱۴ برای نوشتن «وغوغ ساهاب» احضار و توییح شد، مشکل بتوان «آزار» گذاشت. آزار یعنی بازداشت در پستوی بویناک نمور پر از سوسک و موش کلاتسری و حبس در زندان قصر. حکمت ۵ سال ممنوع‌القلمش کرد (نخستین مورد از این نوع مجازات جگرسوز و جزاننده اما ظاهراً بی‌خشونت) چون به او اهمیت می‌داد و او را بیشتر جدی می‌گرفت تا هدایت او را.

صدر: فارغ از نوشته‌هایش، شخصیت خودش و نسبت‌های خانوادگی‌اش چه اندازه در موقعیت اجتماعی هدایت تأثیر داشت؟ سال ۲۴ به دانشگاه تاشکند ازبکستان دعوت شد و در زندگینامه‌ای به درخواست خانهٔ فرهنگ شوروی نوشت: «همیشه عضو مبهم و گمنامی بوده‌ام و رؤسایم از من دل خونی داشته‌اند به‌طوری که هر وقت استعفا دادم با شادی هذیان‌آوری پذیرفته شده است.» اما توضیح نمی‌دهد چرا با درخواست استخدام او موافقت می‌کنند و چگونه است رؤسای دل‌خون نمی‌توانند، تقاضایش را رد کنند و ناچار منتظر می‌مانند از «شادی» استعفایش به «هذیان» بیفتند. با آن هیأت و کسوت و کراوات و شاپو و عینک و زلف برایتین زده حتی امروز «مبهم و گمنام» نبود چه رسد، زمانی که «خیابان لُختی‌ها» به سعدی ارتقای درجه می‌یافت. به برکت خانواده‌ای بانفوذ، مدرسه‌های ممتاز رفت، با بودجهٔ عمومی در فرنگ زبان خارجه یاد گرفت و برای استخدام در بانک ملی (دو بار)، ادارهٔ کل تجارت، آژانس خبرگزاری پارس، ادارهٔ موسیقی، شرکت کل ساختمان، ادارهٔ موسیقی، دانشکدهٔ هنرهای زیبا و هر جا می‌لش می‌کشید، پارتی کلفت داشت. همه در خیابان فردوسی و شاه‌رضا و میدان ارگ و دروازه دولت و محله‌های نوساز حوالی منزل ابوی که سنگفرش و آسفالت بود و کفش آدم تمیز می‌ماند.

در آن روزگار، آدم درس‌خوانده کمیاب بود، با مدرک ششم ابتدایی کارمند دولت می‌شدند و در مملکت کلاه‌نمدی‌های پاپتی به خصوص هسوی آدم متجدد فرنگ‌رفتهٔ عضو هیأت حاکمه را داشتند. آن دم و دستگاه‌ها را قلک این ماه تا ماه بعد می‌دید، نه شغل و منبع درآمد مستمر و پوزخند مقام‌های آنها به استعفا‌های فصلی بچه اعیان متفتن را «شادی هذیان‌آور» تعبیر می‌کرد.

به عنوان محقق با استعداد و نویسندهٔ صاحب قریحه به او بسیار توجه می‌شد. از نظر پارتی خانوادگی، کارمندی بی‌اهمیت نبود و در هر فرصتی به دیگران یادآوری می‌کرد، دون‌پایه‌ای معمولی نیست. نوشته‌اند برای ترجمهٔ اخبار هنری و ادبی از زبان فرانسه دو ماه‌وینم در خبرگزاری تازه تأسیس پارس بود. رئیس آن، عبدالله انتظام، تذکر داد فعل جملهٔ خبری باید «گفت، رفت» یا «خواهد گفت، خواهد رفت» باشد و پرسید چرا وجه مضارع التزامی «بگوید، برود» در ترجمه‌هایش تکرار می‌شود. هدایت جواب داد، بعدازظهرها جز فعل التزامی به فکرش نمی‌رسد. انتظام پیشنهاد کرد پس بهتر است، صبح‌ها ترجمه کند. هدایت جواب داد، صبح‌ها مطلقاً حال ترجمه ندارد.



علی صدر، محمد قائد و مهدی فاتحی



دیدگاه: یادداشت سینمایی

جهان بی صدا در سینما

رویکردها و بازنمایی‌ها نگاه سینما به پدیده ناشنوایی



مهرداد دانش

منتقد

سه‌شنبه هفته جاری ۸ مهر برابر با ۳۰ سپتامبر، روز جهانی ناشنویان است. هدف از نام‌گذاری این روز، افزایش آگاهی عمومی درباره مشکلات افراد ناشنوا و کم‌شنوا، ترویج حقوق آنها و ارتقای فرهنگ ارتباط با جامعه ناشنویان است و به شناسایی دستاوردها و توانایی‌های افسرد ناشنوا و ارائه راهکارهایی برای دسترسی‌شان به آموزش، اشتغال و خدمات عمومی کمک می‌کند. این روز از سال ۱۹۵۸ توسط فدراسیون جهانی ناشنویان پیشنهاد شد و هدف اصلی آن، حمایت از حقوق ناشنویان و فراهم کردن شرایطی برابر برای آنها در جامعه بود. اما سینما در قبال موضوع ناشنوایی و افراد ناشنوا چه رویکردی را تاکنون داشته است؟ در یک مرور اجمالی، می‌توان سه رویکرد را در این باره تشخیص داد:

الف) رویکرد آموزشی و اجتماعی: برخی از فیلم‌های سینمایی بر چالش‌های ناشنویان در زندگی روزمره، روابط خانوادگی و تعاملات اجتماعی تمرکز دارند و هدفشان آگاهی‌بخشی و جلب همدلی مخاطب است.

شاید یکی از شاخص‌ترین فیلم‌ها در این رویکرد، اثر درخشان آرتور پن با نام معجزه‌گر (۱۹۶۲) باشد که داستان دوران کودکی هلن کلر و تلاش‌های معلمش، آنی سالیوان، برای آموزش او را روایت می‌کند. این فیلم بر رابطه عمیق و پرچالش بین هلن و آنسی تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه ترکیب عشق و پشتکار می‌تواند دشواری‌های آموزش به افراد توانخواه از جمله ناشنویان را از بین ببرد. اگر از فیلم‌های معاصرتر هم قرار بر مثال آوردن باشد، می‌توان به فیلم کودا (سیان هدر ۲۰۲۱) اشاره کرد که درباره دختر جوانی است که تنها عضو شنوای یک خانواده ناشنوا (CODA: Child of Deaf Adults) است و بین کمک به کسب‌وکار خانوادگی و دنبال کردن رویای موسیقی‌اش مردد است. فیلم به رابطه خانوادگی، هویت و چالش‌های یک نوجوان در چنین خانواده‌ای می‌پردازد. کودا نیز که مانند معجزه‌گر در محافل سینمایی درخشید و جایزه اسکار بهترین فیلم را هم کسب کرد، در عین لحن کم‌دیی‌اش با ظرافت و احترام به فرهنگ ناشنویان و زبان اشاره می‌پردازد. در سینمای ایران نیز توجه به موضوع ناشنویان از این زاویه سابقه داشته است. پوران درخشنده به عنوان فیلمسازی که معمولاً درباره مشکلات اجتماعی افراد آسیب‌دیده فیلم می‌سازد، اولین فیلمش رابطه (۱۳۶۵) درباره نوجوان ناشنوایی است که قادر به برقراری ارتباط با اطرافیان خود نیست و تحت فشار خانواده و جامعه از همه چیز دزدیده می‌شود اما پس از کمک‌های معلمش، تلاش می‌کند تا حدی قدرت تکلم را به دست آورد. این فیلم، چالش‌های عاطفی و اجتماعی یک فرد معلول را با نگاهی انسانی بررسی می‌کند. فیلم بی‌صدا حلزون (بهرنگ درفولسی‌زاده ۱۳۹۸) نیز از همین زاویه به مسائل جامعه ناشنویان، چالش‌های خانوادگی و اخلاقی مرتبط با معلولیت می‌نگرد. داستان فیلم درباره زنی کم‌شنواست که می‌خواهد برای فرزند ناشنواش عمل



بعد متن نام‌هایی که با نوآوری روبدل کرد، نشان می‌دهد آدمی در پس‌کوپه‌های تهران با حداقل ارتباط با جهان غرب، آگاهی قابل‌توجه و چشم‌گیری از کتاب‌های منتشر شده، داشت و سلیقه‌ای شگفت‌انگیز در انتخاب کتاب‌هایی که پشت سر هم سفارش می‌داد و پیگیرانه می‌خواند. چه اندازه اعتبار قانلید برای این شَم و غریزه‌اش دریافتن و کشف آثار ادبی سطح بالا؟

در شَم به‌خاطر سپردن آنچه می‌شنید، گسترهٔ واژگان و مهارتش در تبدیل خاطرهٔ سمعی به کلمات مکتوب شک نیست. همچنین میل به خواندن، برخی با بسیاری آدم‌های درون‌گرا (به‌اصطلاح تودار) کلماتی را که می‌خوانند، انگار از زبان کسی می‌شنوند- صدای درونی. گمان می‌کنم، کسانی که قریحهٔ نیرومند شعر گفتن و طبع روان دارند از چنین خصوصیتی برخوردارند. شعر قدمایی آبدار و محکم را بیشتر با کمک قوهٔ شنوایی و مهارت تشخیص وزن و لحن و ریتم می‌سرورند تا شمردن تک‌تک هجاها و تیک زدن کنار کلمات مثل جدول کلمات متقاطع. منظوراتان از شناختن نویسنده‌های تراز اول گمان نمی‌کنم، آشنایی چهره‌به‌چهره شخصی باشد. حتی در این حالت هم پاریس در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۳۰ ترمینال و میعادگاه بسیاری هنرمندان و نویسنده‌های اروپا و بلکه دنیا به حساب می‌آمد (متلکی رایج: دخترهای خوب به بهشت می‌روند، دخترهای بد به پاریس). نشریات هم سیر تا پیاز محافل ادبی را با آب‌وتاب منعکس می‌کرد. فرانسه که قرن هجدهم در تألیف دائرةالمعارف پیشستاز شد در سال‌های میان دو جنگ اگر هم به اندازهٔ آمریکا، نشریهٔ علمی نداشت از نظر نشریات ادبی و هنری و مد و معماری و بحث فلسفی و نظریهٔ سیاسی سرآمد بود. امکان‌های خبردار شدن در دنیا همیشه فراوان بوده و جوینده، یابنده است. بسیار پیش از ورود چاپ در دنیای قدیم و حتی باستان اهل بخیه خبر داشتند، نسخهٔ خطی کدام کتاب نزد چه کسانی در کدام شهرهای دنیا یافت می‌شود و فلان مطلب را در چه متن‌هایی نقل کرده‌اند.

فاتحی: نگاه هدایت در مسائل فلسفی و فرهنگی عاطفی بود و همین احساسات او را به خودکشی رساند آن هم در بهترین شهر جهان؟ گروه رولینگ استونز زمانی خواند «دنیا رو نیکو دارین می‌خوام پیاده شمم.» خودکشی در مواردی کاملاً عاطفی است، در مواردی ضعف شدید روان‌تسی و از پا افتادن روحی و جسمی، گاه میل به شرمسار و انگشت‌نما کردن و انتقام از دیگران. گاهی هم نتیجهٔ محاسبهٔ خونسردانه. علی‌اکبر داور وقتی راه دررو از غضب رضا شاه ندید، لیوان تریاک حل شده در آب سر کشید. آرتور کوستر سال ۱۹۸۳ در ۷۷ سالگی به این نتیجه رسید زندگی با چند بیماری درمان‌ناپذیر شامل پارکینسون و سرطان خون ارزش تقلا ندارد. تصمیم به پیاده شدن گرفت و همسر سومش همراه او خودکشی کرد. ما هم شاید بهتر باشد، خودمان و دیگران را ترغیب به زنده ماندن کنیم اما اگر کسی به این نتیجه رسید که بس است و میل دارد پیاده شود از حق خودش استفاده کرده که برای من و شما هم محفوظ است. ترجیح می‌دهم دربارهٔ تصمیم افراد به پایان دادن زندگی‌شان، داورى نکنم. هر نسلی وقتی به سن رشد می‌رسد دربارهٔ موضوع‌های بی‌انتها، از جمله مرگ خودخواستهٔ هدایت، بحث و قضاوت خواهد کرد. طرز ترخیص او بخشی از منش و نوع حضورش بود. وقتی دلخوشی و تکیه‌گاه نداشته باشی «بهترین شهر جهان» تفاوت چندانی با بدترین جا ندارد. نه از شمار پارسی‌های نومیدی که به رود سن پریدند، خبر داریم و نه تعداد مهاجران به آخر خط رسیده. از ایرانی‌های شناخته‌شدهٔ دهه‌های پراکندگی و انهدام، هزیر داریوش و کاظم اسلامیه وقتی ظاهراً از گرسنگی، بیماری و ناداری کارد به استخوان‌شان رسید در همان فرانسه از قطار زندگی پیاده شدند. شاه‌رخ مسکوب هم مضمحل شد و حسن هنرمندی بسیار پیش از همهٔ آن‌ها.

عضو «مبهم و گمنام» جز با پشت‌گرمی وزیر و رئیس و تیمسارهای فامیلش در صدر هیأت حاکمه، جرأت مچل کردن انتظام (که محمدعلی فروغی در نامهٔ خصوصی به او از پاریس، روزگار ناخوش هیأت اعزامی ایران به کنفرانس ورسای را شرح می‌داد) نداشت.

فاتحی: با این برداشت رایج که هدایت را از اساس آدمی افسرده، غمگین و مرگ‌اندیش تصویر می‌کنند، موافقت؟

به نظر من بیش از آن‌که ناامید و افسرده باشد به خودفریبی پرسوناژهایش برای آمرزیده، خوشبخت، موفق یا کامیاب شدن پوزخند می‌زد. به فردی که تمام وقتش را صرف خواندن و نوشتن مطالب مورد علاقه‌اش می‌کند، مشکل بتوان ناامید یا افسرده گفت.

از هر نظر تافتهٔ جدا بافته بود اما وقتی هم اقلیتی بسیار کوچک و ممتاز که سلیقه و فهم و توان خرید اثر ادبی جدید داشت به او علاقه نشان می‌داد، دوست داشت رو ترش کند و مثل بچه‌ای که قهر کرده، بگوید این قدر پلو کم است. با دل‌خوری به مصطفی فرزانه گفت، رادیو فارسی لندن از جانش چه می‌خواهد. مسعود فرزاد و مجریانش خرمگس مزاحم نبودند. رفقای کاربلد و کل سرسید، بی‌چشم‌داشت و مفتخر در

امواج رادیویی تحسین‌اش می‌کردند. حتی مجتبی مینوی که به انحصاربازی و بُخل شهرت داشت، بی‌نهایت بعید بود هدایت تکرر که سر هیچ شغلی بند نمی‌شد را رقیب خودش ببیند.

کتابی که انتشارات ابن‌سینا دربارهٔ او چاپ کرده بود را پس از نگاهی سرسری به ناشر برگرداند و در نامه‌ای (اواخر سال ۲۵) نوشت «دست‌کمی از روزنامهٔ اطلاعات ندارد و ضمناً اسم خانلری، مینوی، فرزاد و صبحی را هم در آن آورده و خواسته بگوید، من شهوت جاه‌طلبی و شهرت داشته‌ام و این اشخاص برایم تبلیغ کرده‌اند.»

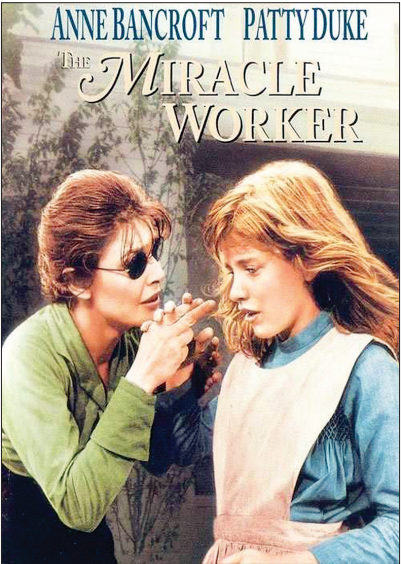
آن‌چه کارنامهٔ هدایت را مشکوک‌تر و

تیره‌تر جلوه می‌داد «بوف کور» بود که دهه‌هاست علاقه‌مندان را گرفتار کرده و سر کار گذاشته. گذشته از آثار مقدمین و مفاخر ملی دربارهٔ کمتر متن معاصر این همه تعبیر و تفسیر و حاشیه نوشته‌اند بدون این‌که سرانجام قدری برای جماعت روشن شود خب حالا که چی. معتقدم ویرای خودی بود و چه بهتر که هدایت آن را هم بدون انتشار از بین می‌برد و خلاص. شاید تحت‌تأثیر سوررنالیسم اسپانیا، دادانیسم فرانسه و مالیخولیای سینمای اکسپرسیونیستی جمهوری وایمار (پایتخت دههٔ ۱۹۲۰ آلمان بین شکست در جنگ بزرگ و به قدرت رسیدن حزب نازی) آن اوهام را بافت. خیابان وهم‌انگیز خالی از جنبنده و پنجره‌های تاریک و کنتراست شدید تنها منبع نور با سایهٔ دراز آدمی که پشت پیچ کوچهٔ بی‌رهگذر دیده نمی‌شود.

دو نکتهٔ متضاد: هدایت کار خوبی کرد. شش‌هفت متن این‌جوری نوشت، یا نوشت و بیرون نداد، وگرنه واویلا بود و واقعاً ائتلاف وقت و نیروی فکری نسل پشت نسل خوانندهٔ جوان درس‌خواندهٔ مشتاق سر درآوردن از معنی و مفهوم یک مشت اوهام. خود بوف کور هیچ گاه برایم جاذبه نداشت تا چه رسد تقلید و کش دادنش.

دوم، «بوف کور» گذشته از مفهوم، محتوا، مصداق و منبع الهام و پیام اثر، چه داشته یا نداشته باشد، در نزدیک کردن اثر ادبی به گفتار روزانه کاملاً موفق است. صرف‌نظر از معنی و منظور از گلدان راغهٔ بالای رف و کوزه و پیرمرد خنزرنپزری و ساطور و زنبرهای طلایی روی لاشه‌های گوشت. آموزنده است نیمه‌معددی دست بگیری، جلو آینه بنشین اینگار با یکی حرف می‌زنی یا برای پسرخاله‌ات نامه می‌نویسی. اینکه متنی تا این حد معمولی و خودمانی، ادبیات و حتی شاهکار ادبی تلقی شود بزرگ‌ترین جهش در تاریخ نثر فارسی و در تحول فکر اجتماعی طی فقط یک نسل بود. نمره‌اش در این مورد ۲۰.

صدر: اقامت‌نخستش در اروپا کوتاه بود و سن و سال چندانی نداشت اما در همان مدت توانست بسیاری نویسندگان طراز اول را بشناسد. سال‌ها



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازارها در تبوتاب

سرانجام سرمایه‌های مردم چه می‌شود؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

همزمان با آخرین تلاش‌های دیپلماتیک ایران و ترویکای اروپایی با محوریت مکانیسم ماشه در واپسین روزهای سپتامبر، بازارهای دارایی نیز تکانه‌های قدرتمند قیمتی را تجربه کردند. به غیر از بورس که با عقب‌نشینی سهامداران خرد و ریزش شاخص‌های سهامی همراه بود سایر بازارهای موازی، رکوردشکنی‌های بی‌دریی را ثبت کردند. تب و تاب بازارها نشان از اقبال بیشتر سرمایه‌گذاران به دارایی‌های کم‌ریسک‌تر به دنبال احتمال بازگشت تحریم‌ها و بروز مجدد جنگ بوده است. کارشناسان معتقدند، وضعیت کنونی بورس تهران و بازدهی منفی این بازار نیز متأثر از ریسک‌های سیاسی و تحرکات صعودی بازارهای موازی رقم خورده است.

بازار سهام در هفته پایانی شهریورماه با فراز و نشیب‌های قابل‌توجهی همراه بود و درحالی‌که آغاز هفته با فشار عرضه و رفتار محتاطانه معامله‌گران سپری شد، نیمه دوم معاملات فضایی متعادل‌تر به خود گرفت. اما در نهایت شاخص اصلی بورس تهران در پایان این هفته با وجود نوسانات متعدد با عقب‌نشینی همراه شد و درنهایت با افت ۷۴/۲ درصدی، کار خود را به اتمام رساند. ناگر هم‌وزن نیز که نمایانگر وضعیت کلی بازار و عملکرد یکسان سهام کوچک و بزرگ است، افت ۷۸/۲ درصدی را به نمایش گذاشت. در همین حال افزایش احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تشدید ریسک‌های سیاسی داخلی و خارجی باعث شد، اصلاح شاخص‌ها چندان دور از انتظار نباشد. با وجود این برخی تحلیلگران بر این باورند که رشد نرخ دلار می‌تواند، سدی در برابر افت شدیدتر شاخص کل باشد و همچنان نیرویی حمایتی برای سهام به حساب آید. برخی فعالان بورسی اما نگاه متفاوتی دارند و معتقدند جذابیت روزافزون طلا، به‌ویژه تحت تاثیر نوسانات بازارهای جهانی، ممکن است در کوتاه‌مدت سرمایه‌ها را از بورس خارج کرده و بازار سهام را در مسیر کاهشی قرار دهد. این دیدگاه زمانی قوت می‌گیرد که به عملکرد بازارها در شهریورماه نگاه کنیم. بورس تهران در این ماه، فضایی متعادل‌تر را تجربه کرد و شاخص کل با بازدهی ۶۲/۲ درصدی به کار خود پایان داد. با این حال طلا همچنان صدرنشین بازارها باقی ماند و توانست، بازدهی بالاتری نسبت به سایر دارایی‌ها ثبت کند. در نیمه نخست سال نیز بازدهی شاخص اصلی بورس حدود منفی ۶ درصد گزارش شده است؛ آماری که نشان می‌دهد، بازار سهام در مقایسه با رقبای سنتی خود از جمله طلا و ارز، جذابیت کمتری برای سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت داشته است. در مقابل، صندوق‌های مبتنی بر طلا با جذب سرمایه تازه، برنده اصلی این رقابت بودند. با وجود این واقعیت‌ها، بسیاری از کارشناسان همچنان اعتقاد دارند که بورس تهران در محدوده‌های کنونی به قدری ارزنده نشده است که می‌تواند، وزن بیشتری را در سبد سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی به خود اختصاص دهد. نسبت‌های ارزش‌گذاری پایین، از جمله P/E حوالی ۵/۴ واحد این جذابیت را تقویت می‌کند.

اتهام پوچ

به بهانه میزگرد موسی غنی‌نژاد و سیدياسر جبرائیلی به این پرسش پرداخته‌ایم که چرا اقتصاد ایران در دورترین نقطه از لیبرالیسم قرار دارد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

سیدياسر جبرائیلی را هم باید به فهرست مدعیانی اضافه کرد که در برابر استدلال‌های اقتصاددانان هیچ حرفی برای گفتن ندارند. او که در سال‌های گذشته بارها ادعاهای دور از عقلانیت مطرح کرده، اخیراً در مجادله با موسی غنی‌نژاد ادعا کرد که اقتصاد ایران تئولیبالیستی اداره می‌شود. این در حالی است که به عقیده دکتر غنی‌نژاد، مشکلات اقتصاد ایران نه از سیاست‌های تئولیبالی بلکه از مداخله گسترده دولت، اقتصاد دستوری و نبود رقابت واقعی ناشی می‌شود که این دیدگاه با مدل‌های موفق جهانی همخوانی دارد. او با اشاره به اینکه اقتصاد ایران دولتی نیست بلکه دستوری و رفاقتی است، جایی که دستورات از قدرت سیاسی حاکم می‌آید

و خصوصی‌سازی واقعی رخ نداد، توانست نشان دهد که ادعاهای جبرائیلی مبنی بر سلطه تئولیبالیسم بر اقتصاد ایران با واقعیت‌های ساختاری مانند قیمت‌گذاری دستوری، انحصارهای رانتی و محدودیت‌های آزادی اقتصادی تناقض دارد و این استدلال‌ها را با ارجاع به تئوری‌های اثبات شده مانند غیرعقلانی بودن مداخله سوسیالیستی تقویت کرد.

یکی از نقاط قوت غنی‌نژاد در این مجادله، اولویت دادن به نظریه بر مشاهده خام بود به‌طوری‌که او تأکید کرد بدون چارچوب تئوریک، تحلیل واقعیت‌های اقتصادی ممکن نیست، در حالی که جبرائیلی بیشتر بر مشاهدات عملی و انتقاد از سیاست‌های تئولیبالی تمرکز داشت که به نظر غنی‌نژاد، این سیاست‌ها در ایران اصلاً اجرا نشده‌اند. این رویکرد تئوریک، باعث شد تا در محافل اقتصادی و دانشگاهی از دکتر غنی‌نژاد به عنوان فردی یاد شود که بحث را به سطح علمی و عقلانی برد و از طرح شعارهای ایدئولوژیک دوری کرد. علاوه بر این غنی‌نژاد توانست، نشان دهد که تئولیبالیسم واقعی در ایران وجود ندارد زیرا اصول آن مانند آزادی اقتصادی، رقابت و عدم انحصار رعایت نمی‌شود و این نقد ساختاری به سیاست‌های فعلی بدون ورود به جزئیات شخصی یا ایدئولوژیک، او را در نظر برخی به عنوان برنده منطقی مناظره جلوه داد. اما مهم‌ترین پرسشی که این گزارش قصد دارد به آن بپردازد، این است که چرا بر خلاف نظر یاسر جبرائیلی، اقتصاد ایران در دورترین نقطه از لیبرالیسم قرار دارد؟

سیدياسر جبرائیلی و افرادی که با او قرابت فکری دارند، معتقدند اقتصاد ایران تحت سلطه نسخه‌ای هار از تئولیبالیسم

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

هزینه نا اطمینانی

چرا بالاتکلیفی از جنگ بدتر است؟

مهتا معرفت

تحلیلگر بازارهای مالی

اقتصاددانان معتقدند، وضعیت بالاتکلیفی از وضعیت جنگی هم بدتر است. اینکه توان برنامه‌ریزی از فعالان اقتصادی گرفته شود و در آمادباش دائم به سر ببریم از نظر اقتصادی، حاوی نتایجی است که دست‌کمی از وقوع جنگ ندارد. چه استدلالی پشت این اعتقاد وجود دارد؟

در شرایط جنگ، اگرچه هزینه‌ها بالاست و تخریب به وجود می‌آید اما دست‌کم قواعد بازی روشن می‌شود؛ همه می‌دانند جنگی در جریان است، اولویت‌ها مشخص می‌شود، دولت سیاست‌های اقتصادی اضطراری را اعمال می‌کند و بنگاه‌ها و خانوارها، تصمیمات خود را بر مبنای یک چشم‌انداز هرچند تاریک ولی قابل پیش‌بینی می‌گیرند. اما بالاتکلیفی یعنی نبود اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری.

قرار دارد که منجر به استثمار مردم، سرکوب دستمزدها، رهاسازی نرخ ارز، خصوصی‌سازی انفال و جهانی‌سازی قیمت‌ها شده و ثروت ملی را در انحصار گروه‌های خاص قرار داده است. آنها این مدل را عامل اصلی نابرابری، فقر و نابودی تولید ملی می‌دانند و معتقدند که تئولیبالیسم وارداتی با تضعیف دولت و مردمی‌زدایی از اقتصاد، قدرت را در حلقه‌ای محدود حبس کرده و در تضاد با اقتصاد اسلامی است که باید بر پایه آزادی انسان از استثمار، توزیع عادلانه وسایل کار و تقویت تولید داخلی بنا شود. این دیدگاه در تقابل با نظر اقتصاددانان قرار دارد که اقتصاد ایران را نه سرمایه‌داری واقعی بلکه نوعی سرمایه‌داری رفاقتی یا دستوری توصیف می‌کنند، جایی که دولت با دخالت‌های گسترده، قیمت‌گذاری دستوری و نبود رقابت واقعی، مانع از شکل‌گیری بازار آزاد می‌شود. استدلال اقتصاددانان این است که اقتصاد بازار یا سرمایه‌داری بر پایه چندین مولفه اساسی استوار است که بدون وجود همزمان آنها،



نمی‌توان یک نظام را واقعاً سرمایه‌داری نامید. نخستین مولفه، عدم توانایی بنگاه‌های اقتصادی در کنترل قیمت‌هاست؛ در این نظام، بازار آن‌قدر گسترده است که هیچ شرکتی نمی‌تواند به تنهایی قیمت را تعیین کند و قیمت‌ها صرفاً از تقابل عرضه و تقاضا ناشی می‌شوند بدون وجود قدرت انحصاری. دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته، مانند ایالات متحده یا ژاپن، با قوانین ضد انحصار این اصل را حفظ می‌کنند تا رقابت سالم حاکم باشد. رقابت، دومین ستون اصلی، بنگاه‌ها را وادار به نوآوری، کاهش قیمت، بهبود کیفیت و ارائه خدمات پس از فروش می‌کند؛ در بازار رقابتی کامل، سود بنگاه‌ها به سمت صفر میل می‌کند و بقا وابسته به خلاقیت است در حالی که افراد نیز برای موقعیت‌های شغلی بهتر یا یکدیگر رقابت می‌کنند و مهارت‌های خود را ارتقا می‌دهند. آزادی اقتصادی، سومین عنصر، به افراد اجازه می‌دهد تا آزادانه کالاها را بخرند، شغل و کارفرما انتخاب کنند و بنگاه‌ها بتوانند مواد اولیه، تولید و فروش را بدون محدودیت دولتی مدیریت کنند؛ البته این آزادی با اصل عدم انحصار سازگار است زیرا قیمت‌گذاری بالاتر از بازار، مشتریان را به سوی رقبا سوق

می‌دهد. محدودیت‌هایی مانند تعرفه‌های واردات، قیمت‌گذاری دستوری یا قوانین محدودکننده استخدام و اخراج با این اصل در تناقض‌اند. تبادل داوطلبانه، چهارمین مولفه، بر پایه توافق آزادانه خریدار و فروشنده بدون اجبار استوار است، جایی که هر دو طرف از معامله سود می‌برند. مالکیت خصوصی، پنجمین پایه، شامل احترام کامل به دارایی‌های افراد و بنگاه‌ها می‌شود بدون اینکه دولت، حق سلب یا محدودیت استفاده از آنها را داشته باشد؛ این مالکیت نه تنها به اموال فیزیکی بلکه به حقوق معنوی مانند اختراعات و برندها نیز تسری می‌یابد. انگیزه سود، ششمین عنصر، افراد و بنگاه‌ها را تشویق به ریسک‌پذیری می‌کند، جایی که موفقیت به سود کامل منجر می‌شود و شکست بدون جبران دولتی است و سود را پاداش انتخاب درست می‌داند. اطلاعات کامل و متقارن، هفتمین شرط، تضمین می‌کند که همه بازیگران بازار به اطلاعات یکسانی درباره کیفیت و قیمت دسترسی داشته باشند بدون برتری اطلاعاتی برای برخی؛ در ایران اقداماتی مانند

حذف قیمت‌ها از سایت‌های آگهی این اصل را نقض می‌کند. در نهایت، نبود اثرات جانبی منفی به معنای عدم تأثیر معاملات بر دیگران است؛ برای مثال، آلودگی محیط زیستی از تولید مواد شیمیایی با مالیات‌های جبرانی در کشورهای پیشرفته مدیریت می‌شود تا رفاه عمومی حفظ شود. مدل‌های ریاضی پیشرفته در اقتصاد نشان می‌دهند که با برقراری این شرایط، جامعه به وضعیت بهینه پارتو می‌رسد، جایی که نمی‌توان رفاه یک نفر را بدون کاهش رفاه دیگری افزایش داد؛ این وضعیت، رفاه حداکثری را برای همه تضمین می‌کند بدون نیاز به دخالت دولتی در قیمت‌گذاری کالاها یا اساسی. در کشورهای توسعه‌یافته، نقش دولت نه قیمت‌گذاری بلکه ایجاد شرایط بازار آزاد و رقابتی است که نتیجه آن درآمد متوسط بسیار بالاتر نسبت به ایران- مانند ۱۳ برابر در آمریکا، ۹ برابر در ژاپن و کانادا و بیش از دو برابر در ویتنام- بوده است. با این حال بیشتر کشورها در برخی حوزه‌ها، مداخله می‌کنند اما اگر این مداخله بیش از حد باشد، نمی‌توان آنها را سرمایه‌داری واقعی دانست. در مورد ایران، بررسی این مولفه‌ها نشان می‌دهد که جز تبادل داوطلبانه، سایر اصول جایگاه محکمی ندارند: مالکیت فکری اغلب نقض می‌شود، دولت گاهی زیان سرمایه‌گذاران را از طریق تورم به جامعه تحمیل می‌کند، اطلاعات شفاف نیست و سانسور می‌شود، آزادی اقتصادی با تعرفه‌های سنگین و قیمت‌گذاری دستوری محدود است، قوانین کار مخالف آزادی‌های سرمایه‌داری هستند و انحصارهای رانتی و دولتی فراوان‌اند. بنابراین اقتصاد ایران در دسته اقتصادهای بسته قرار می‌گیرد و در نقطه مقابل سرمایه‌داری واقعی ایستاده است که این امر توضیح‌دهنده، چالش‌های اقتصادی فعلی آن است.

کسی نمی‌داند چه رخدادهایی ممکن است روی دهد و با چه احتمالی. همین ویژگی، ریسک را از حالت «قابل محاسبه» به «نامعلوم و غیرقابل قیمت‌گذاری» تبدیل می‌کند. در نتیجه بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران از ورود به پروژه‌های جدید اجتناب می‌کنند، منابع مالی بلوکه یا به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و کم‌بازده منتقل می‌شود و کل اقتصاد به سمت احتیاط و رکود میل می‌کند. بنابراین نااطمینانی نه فقط سطح ریسک را بالا می‌برد بلکه ماهیت آن را مبهم می‌کند و امکان مدیریت و پوشش آن را از میان می‌برد. جنگ اگرچه پرهزینه است اما حداقل در قالب «اطمینان به یک بدی معلوم» عمل می‌کند، در حالی که بالاتکلیفی به معنای «بدتر از بدی، یعنی ندانستن ماهیت تهدید» است. همین امر باعث می‌شود، منابع به جای تخصیص بهینه به شکل احتیاطی و راکد نگه‌داشته شوند، فعالیت‌های سودآور کنار گذاشته شود و هزینه فرصت بالاتکلیفی به شدت افزایش یابد. به بیان دیگر بالاتکلیفی اعتماد و امکان برنامه‌ریزی را از بین می‌برد و این همان چیزی است که موتور اقتصاد بر آن سوار است.

سروصدای سیروان

کنسرت‌های ایهام و سیروان خسروی با فشار میراث فرهنگی و وزارت ارشاد لغو شد



توقف بلیت‌فروشی

با قطعی شدن توقف اجراها، سامانه‌های فروش بلیت، برنامه‌های باقیمانده سیروان خسروی و ایهام همچنین شب‌های تمدیدی را از دسترس خارج کردند. خریداران بلیت نیز پیام‌هایی مبنی بر لغو برنامه و بازگشت هزینه‌ها دریافت کردند. انتشار خبر لغو این کنسرت‌ها در رسانه‌ها، بازتاب گسترده‌ای داشت. برخی رسانه‌ها از فشار نهادهای فرهنگی و میراث به عنوان عامل اصلی یاد کردند و برخی دیگر آن را نتیجه مستقیم اعتراض ساکنان نیاوران دانستند. در فضای مجازی نیز کاربران واکنش‌های متضادی نشان دادند؛ عده‌ای این تصمیم را محدودکننده و مغایر با حق شادی مردم ارزیابی کردند، در حالی که گروهی دیگر از دغدغه‌های ساکنان محل دفاع کردند. در این میان ویدئوهایی که از همخوانی و شادی مخاطبان کنسرت‌های سیروان خسروی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود به یکی از عوامل جدی شکل‌گیری

انتقادهای بدل شد. برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای این تصاویر را نشانه «بی‌توجهی به هنجارهای اجتماعی» خواندند و همین موضوع فشارها بر ادامه اجراها را تشدید کرد. در نهایت اینکه لغو کنسرت‌های سیروان خسروی و ایهام، اگرچه در ظاهر به دلیل نارضایتی ساکنان نیاوران و مسائل مربوط به آلودگی صوتی و ترافیک عنوان شده اما هم‌زمان با بحث‌های فرهنگی و سیاسی گسترده‌تری گره خورده است. این ماجرا پرسش‌هایی را درباره امکان برگزاری کنسرت‌های بزرگ در فضا‌های تاریخی و مسکونی همچنین درباره سیاست‌های فرهنگی دولت در حوزه موسیقی پاپ به میان آورده است.

به گفته مسئولان وزارت ارشاد، هیچ ممنوعیت کلی برای برگزاری کنسرت‌های پاپ وجود ندارد و مشکل اصلی تنها به شرایط خاص نیاوران بازمی‌گردد. حالا باید دید که در نهایت تصمیم‌گیری به کجا ختم خواهد شد.

جامعه

مرگ‌س. در زندان

ماجرای مرگ
یکی از اعضای مجاهدین خلق در زندان

سمیه رشیدی پس از اینکه به دلیل مشکلات جسمانی ناشی از قبل از دوران بازداشت به بیمارستان اعزام و مدتی تحت درمان قرار گرفت به‌رغم تلاش‌های پزشکان و کادر درمان، صبح پنج‌شنبه پس از چند روز بستری در بیمارستان فوت کرد. مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: در پی طرح برخی ادعاها درباره یک زندانی زن به نام س. در رسانه‌های معاند، بررسی‌ها نشان می‌دهد این متهم در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به اتهام ارتباط با گروهک نفاق بازداشت و با استفاده از تاسیسات قانونی و برخورداری از رفت اسلامی آزاد شده است اما مجدد با جریان نفاق ارتباط گرفته است. او ۶ ماه پس از آزادی مشروط، مجدداً با جریان نفاق ارتباط گرفته و در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴ با در اختیار داشتن تجهیزات خاص هنگام همکاری با گروهک تروریستی منافقین بازداشت شد.

پس از دستگیری متهم و بررسی ارتباطات وی در فضای مجازی مشخص می‌شود، متهم از سر پل خود در گروهک تروریستی منافقین ماموریت‌هایی را دریافت کرده و در فضای مجازی، فیلم و عکس ماموریت‌های خرابکارانه خود از جمله آتش زدن پایگاه‌های بسیج و ورودی‌های مساجد را ارسال می‌کرده است. با بازداشت متهم س. و بررسی سوابق وی که متأسفانه با وجود بهر‌مندی قبلی رفت اسلامی مجدد با سر پل گروهک تروریستی منافقین ارتباط گرفته و حداقل ۱۰ عملیات از او دریافت کرده بوده در حال تکمیل مراحل عملیاتی خود در تهران بوده است.

با توجه به شرایط متهم و اعتیاد وی به مواد مخدر صنعتی و براساس مفاد پرونده، بازپرس بلافاصله پس از تفهیم اتهام برای او قرار وثیقه صادر می‌کند که خانواده متهم از ارائه وثیقه برای آزادی متهم استنکاف کرده بودند. براساس تحقیقات اولیه، نامبرده مبالغی جهت انجام ماموریت‌های خرابکارانه از سوی گروهک تروریستی منافقین دریافت کرده و آموزش‌هایی برای انجام اقدامات ایدلی از جمله ایجاد حریق دیده بود. بنابر این گزارش، نامبرده همچنین دارای پرونده پزشکی با سابقه تشنج علاوه بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی بوده که در بدو ورود به زندان در سابقه پزشکی وی ثبت شده است.

متهم در ابتدای ورود به زندان علاوه بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در خوداظهاری اعلام کرده بود، سابقه تشنج دارد و داروی اعصاب و روان مصرف می‌کند که در پی معاینه صورت گرفته و تجویز پزشک، داروهای وی در اختیارش قرار می‌گیرند و متهم در طول مدت حضور در زندان، داروی اعصاب و روان مصرف می‌کرده است.

در مورد کشت قانونی، سازمان غذا و دارو نکات مهمی یادآوری کرده است. سخنگوی این سازمان می‌گوید، قرار است یک گونه خاص خشخاش *Papaver somniferum var. album* یا (سومنی‌فرم اولیفر) با نظارت بین‌المللی کشت شود که «مانند گونه‌های مرسوم امکان تیغ‌زدن ندارد» و «اصولاً امکان سوءاستفاده عمومی یا مصرف غیرقانونی از این گیاه وجود ندارد». به‌عبارت دیگر کشت این رقم تراریخته (بومی شده در استرالیا) نیازمند استخراج صنعتی است و نه بریدن دستی ساقه (روش سنتی استخراج تریاک). همچنین گفته شده در صورت اجرای درست طرح، هدف «تأمین پایدار داروهای حیاتی برای بیماران صعب‌العلاج و اتاق عمل» خواهد بود و نه ایجاد بازار غیرقانونی یا تغییر الگوی مصرف.

کشت بدون نشت؟

با وجود این تضمین‌ها، کارشناسان و فعالان اجتماعی، نگرانی‌های جدی دارند. منتقدان می‌پرسند، چگونه می‌توان از «نشت» محصول به بازار قاچاق جلوگیری و تضمین کرد که کشاورزان به کشت این گیاه برنمفت روی نیاورند. به‌ویژه در مناطق محروم که خشخاش به لحاظ اقتصادی از آب‌برایی کمتری برخوردار است، کشاورزان ممکن است به انگیزه درآمد بیشتر این محصول روی آورند و الگوی کشت محصولات استراتژیک غذایی تغییر کند. با توجه به سابقه نیم‌قرن ممنوعیت، شکاف‌های احتمالی در دانش کشاورزی و سازوکار نظارتی نیز وجود دارد؛ از این رو برخی پیشنهاد کرده‌اند، اول طرح را به‌صورت پایلوت کنترل شده اجرا کرده و پس از اثبات کارایی و امکان نظارت آن را گسترش داد. حتی نمایندگان مجلس معتقدند بدون ایجاد سازوکارهای دقیق باید به واردات کنترل شده، تکیه کرد تا «ایران به تولیدکننده مواد مخدر» بدل نشود. از سوی دیگر، برخی کارشناسان نسبت به داده‌های افغانی ابراز تردید کرده‌اند. آنها می‌گویند، ممنوعیت رسمی طالبان در جنوب افغانستان میزان زیرکشت را کاهش داده اما مستندات بین‌المللی نشان می‌دهد، کشت به مناطق دیگر (مثلاً شمال شرق) منتقل شده و ادعای «کاهش ۹۰ درصدی» ممکن است، بزرگ‌نمایی باشد. با این حال بیشتر تحولات منطقی است: کاهش عرضه جهانی تریاک، کاهش کشفیات داخلی و بالا بودن تقاضای درمانی همگی بحران را واقعی جلوه می‌دهند.

فقط ۵۰ تن) تنها حدود ۲۰۰ تن تریاک در دسترس قرار دارد. به گفته ذوالفقاری «مجموع تریاک کشفیات و واردات» برای امسال به ۲۰۰ تن می‌رسد که سرجمع با نیاز سالانه ۷۰۰-۱۰۰۰ تنی فاصله چشمگیری دارد. در نتیجه شرکت‌های داروسازی و وزارت بهداشت نگران «فاجعه در سیستم درمانی» هستند: کمبود حتی داروهای مسکن معمولی و افزایش قیمت‌های اپیوم‌بنیان. این کمبود می‌تواند روند تولید داروهای مانند مورفین، کدئین و سایر مشتقات را مختل کند و دسترسی بیماران صعب‌العلاج و مراکز درمانی را به درمان‌های کنترل درد با خطر مواجه کند.

واکنش دولت: واردات یا کشت کنترل شده

در واکنش به این بحران، مقامات دولتی از دو راهکار عمده سخن گفته‌اند: افزایش واردات قانونی یا احیای کشت داخلی تحت نظارت بین‌المللی. ذوالفقاری می‌گوید: «تا پیش از این نیاز دارویی از طریق کشفیات تأمین می‌شد اما حالا کشفیات به شدت کاهش یافته است»، وی تصریح می‌کند اگر کشفیات فعلی (حدود ۱۵۰تن) به اضافه ۵۰ تن واردات باشد، «ما بقی نیاز برای تولید داروی کشور را چه باید کرد»، به همین دلیل در جلسات ستاد مبارزه با موادمخدر پیشنهاد «واردات بیشتر یا کشت کنترل شده» مطرح شده است. البته قانون ایران از چند



دهه قبل (پروتکل نیویورک ۱۹۵۳) ایران را یکی از ۷ کشور مجاز به کشت تریاک برای مصارف دارویی می‌داند اما پس از انقلاب ۱۳۵۹ این کشت متوقف و مسئولان به واردات روی آوردند. اکنون دولت بحث لغو یا محدودیت‌زدایی از این ممنوعیت را در دستور کار قرار داده است: رئیس‌جمهور با پیشنهاد کشت محدود موافقت کرده و آیین‌نامه اجرایی آن در حال تهیه است.

گروه اجتماعی: کنسرت‌های پاپ سیروان خسروی و گروه ایهام که در مجموعه فرهنگی-تاریخی کاخ نیاوران تهران برگزار می‌شد به طور ناگهانی لغو شد. این خواننده شب پنج‌شنبه سوم مهرماه در جریان اجرا، خبر لغو کنسرت‌های آتی را اعلام کرد و گفت: «از فشارهای فزاینده برای توقف اجراها خسته‌ام و دیگر توانی برای جنگیدن ندارم». سیروان خسروی ضمن اشاره به فشارهای نهادهای مختلف از جمله میراث فرهنگی از تصمیم این نهادها برای ممانعت از اجرای برنامه‌هایش انتقاد کرد.

این اظهارات در حالی بیان شد که فیلم‌هایی از شور و شوق تماشاگران ایستاده و همخوانی آنها در کنسرت‌های وی در فضای مجازی منتشر و بازتاب گسترده‌ای داشت؛ تصاویری که به مذاق برخی جریان‌ها خوش نیامد و واکنش‌های انتقادی به همراه داشت.

ایسن اتفاق در شرایطی رخ داد که تنها چند روز پیش از آن، رئیس‌جمهور بر اهمیت برگزاری جشن‌های ملی و ایجاد فرصت‌های شادی برای مردم تأکید کرده بود. هم‌زمانی این دو رویداد باعث شد، بسیاری لغو این برنامه‌ها را غیرمنتظره و حتی متناقض بدانند.

اعتراض اهالی نیاوران

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

درمان

ناترازی به تریاک رسید

کاهش خشخاش در بازار، تولید دارو را با مشکل جدی مواجه کرده است



فازنه مومنی

گروه اجتماعی

در ماه‌های اخیر مسئولان هشدار داده‌اند که به دلیل افت شدید کشفیات تریاک و کاهش کیفیت آن، تأمین مواد اولیه داروهای حیاتی مانند مورفین و بتادین در معرض خطر جدی قرار گرفته است. به گفته خلیل‌الله همای‌راد از مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سال‌های گذشته سیستم درمانی کشور عمدتاً از محل کشفیات پلیس به حدود ۷۰۰-۸۰۰ تن تریاک پایه دسترسی داشت اما اکنون «کشفیات در سال گذشته به یک‌چهارم رسیده و خلوص تریاک از ۲۶ درصد به حدود ۱۰ درصد نزول کرده است». این افت ناگهانی به کمبود مواد اولیه دارویی منجر شده و وزارت بهداشت را به فکر گزینه‌های جایگزین انداخته است. حتی براساس گزارش اخیر ۲۲۰ تن تریاک در سال قبل و تنها حدود ۲۰۰ تن در سال جاری (ترکیب کشفیات و واردات) تأمین شده، در حالی که نیاز واقعی سالانه بیمارستان‌ها و اتاق عمل‌ها دست‌کم ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تن است. عمده تحلیل‌ها، افت تولید تریاک در افغانستان پس از ممنوعیت طالبان در بهار سال ۱۴۰۱ را عامل اصلی می‌دانند. حسین ذوالفقاری، رئیس ستاد مبارزه با موادمخدر تصریح کرده که «کشت خشخاش در افغانستان نیز کاهش یافته و نسبت به چند سال قبل به یک‌ششم رسیده است». این کاهش عظیم تولید افغان‌ها- که پیش از این اکثریت تریاک مورد نیاز ایران را تأمین می‌کرد- با سقوط درآمد کشفیات داخلی همزمان شده و به بحران ناترازی مواد اولیه دارویی دامن زده است. هرچند برخی تحلیل‌گران داخلی تأکید دارند، آمارهای رسمی (مثلاً کاهش ۹۰ درصدی میزان کشت در افغانستان) باید دقیق‌تر بررسی شود اما واقعیت کاهش چشمگیر عرضه جهانی تریاک بر سرنوشت صنعت داروسازی ایران تأثیر گذاشته است.

تأثیر بر صنعت داروسازی

در چند دهه گذشته بیش از ۷۰۰ تن تریاک سالانه (بر پایه تریاک خالص) از محل کشفیات تأمین می‌شد و کارخانه‌های داروسازی با این ماده اولیه، نیاز خود را برطرف می‌کردند. حالا اما با افت کشفیات و محدودیت واردات (مجاز سالانه واردات

